



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوری مفیدی

تاریخ: ۱ آبان ۱۳۹۰

مصادف با: ۲۵ ذی القعدة ۱۴۳۲

جلسه: ۵

موضوع کلی: جوامع روایی

موضوع جزئی: کتاب دعائم الاسلام

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

کتاب دعائم الاسلام

مؤلف کتاب:

این کتاب را قاضی ابوحنیفه نعمان بن ابی عبدالله محمد بن المنصور التمیمی المغربی نوشته است، او قاضی دولت فاطمی‌ها در مصر بوده و در اواخر قرن ۳ و اوائل قرن ۴ و در عهد سه نفر از سلاطین فاطمی زندگی می‌کرده است، اکثر کسانی که در مورد قاضی ابوحنیفه مطلب نوشته‌اند قدح و ذمی درباره او نکرده‌اند و بعضاً در مورد او مدح و ثناء هم دارند که ما به چند نمونه از قضاوت‌هایی که درباره او وارد شده اشاره می‌کنیم، بعد از ذکر این قضاوت‌ها راجع به مذهب او و بعد درباره کتاب او بحث خواهیم کرد که آیا روایاتی که در کتاب دعائم الاسلام ذکر شده اعتبار دارد یا خیر؟

صاحب مقایسه درباره قاضی ابوحنیفه می‌گوید: «هذا الرجل كما يلوح من كتابه من افاضل الشيعة بل الإمامية»^۱ می‌گوید: قاضی ابوحنیفه از افاضل شیعه بلکه از افاضل شیعه اثنی عشریه است.

سید بحر العلوم درباره او می‌گوید: «وقد كان في بدء امره مالکياً ثم انتقل إلى مذهب الإمامية»^۲؛ او در ابتدا مالکی مذهب بوده و بعد به مذهب اثنی عشری منتقل شده است.

سید حسین قزوینی درباره او می‌گوید: «النعمان بن محمد عالم فاضل و ذکر صاحب تاریخ مصر آنکه کان من العلم و الفقه و الدین و الثقل علی ما لا مزید علیه»^۳ در این نقل قاضی ابوحنیفه به عنوان عالم فاضل معرفی شده و نقل قولی را هم از صاحب تاریخ مصر درباره او ذکر کرده است.

قاضی نور الله شوشتری فی مجالسه درباره او می‌گوید: «فی عداد علمائنا الأعلام و رواة أخبارنا الکرام»^۴ یعنی قاضی ابوحنیفه در زمره علماء اعلام و روایان اخبار است.

در این چند نمونه‌ای که عرض کردیم قدح و ذمی درباره قاضی ابوحنیفه نیامده و آنچه که درباره او گفته شده بیشتر مدح و ثناء است، اینکه از افاضل شیعه و از علماء اعلام است و عالم و فاضل است مدح و ثنائی است که از او شده است، در مورد مذهب او هم این نکته وجود دارد که ظاهراً قبلاً شیعه نبوده ولی بعداً شیعه شده است ولی اختلاف است که آیا شیعه اثنی

۱. مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، ص ۳۱۴.

۲. رجال سید بحر العلوم، ج ۴، ص ۵.

۳. مستدرک الوسائل، چاپ قدیم، ج ۳، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۴.

عشری است یا خیر، در روایاتی که در کتاب دعائم الاسلام آمده فقط از ائمه قبل از امام صادق(ع) و امام صادق(ع) روایت نقل شده؛ یعنی از ائمه بعد از امام صادق(ع) هیچ روایتی در این کتاب نقل نشده است بر این اساس بعضی گفته‌اند این مطلب قرینه است بر اینکه قاضی ابوحنیفه شیعه اسماعیلی بوده چون فقط تا امام صادق(ع) روایت نقل کرده است، قرینه دیگری هم که مؤید این بیان است این است که او قاضی دولت فاطمی بوده و فاطمی‌ها با اینکه شیعه بوده‌اند اما اسماعیلی مذهب بوده‌اند لذا وقتی نعمان بن ابی عبدالله، قاضی دولت فاطمی‌ها بوده مؤید این است که شیعه اسماعیلی بوده است.

بعضی در مقابل این دسته توجیه کرده‌اند که قاضی ابوحنیفه تقیه می‌کرده است. حاجی نوری از کسانی است که به این عقیده معتقد است که قاضی ابوحنیفه شیعه اثنی عشری بوده اما تقیه می‌کرده و شواهد و قرائنی را بر این ادعا ذکر می‌کند، خود قاضی ابوحنیفه در کیفیت ذکر ائمه(ع) بعد از تعقیبات نماز می‌گوید: «روینا عن الائمة(ع) بالتقرب بعد كل صلاة فريضة فإذا سلم المصلی بسط یدیه و رفع باطنهما ثم قال: اللهم إني أتقرب إليك بمحمد رسولك و نبيك و بوصيه علي وليك و بالائمة من ولده الطاهرين الحسن و الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و يسمي اماماً اماماً إلى أن ينتهي إلى امام عصره ثم يقول: اللهم إني اتقرب إليك بهم و أتوئيبهم و أبرء إليك من أعدائهم»^۱ از ائمه(ع) روایت شده که بعد از هر نماز فريضة ما به ائمه(ع) متقرب شویم به این شکل که بعد از اینکه نمازگزار سلام داد دست‌های خود را باز کند و آن‌ها را بالا بیاورد و بگوید: خدایا به پیغمبرت و به وصی پیامبرت و به امامانی که از فرزندان علی(ع) هستند که عبارتند از: امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و ائمه بعد از ایشان تا امام عصر(ع) به سوی تو تقرب می‌جویم، شاهد و قرینه‌ای که حاجی نوری ذکر می‌کند این است که می‌گوید: کلام قاضی ابوحنیفه که ائمه(ع) را تا امام صادق(ع) را نام برده بعد می‌گوید یکی یکی اسامی ائمه(ع) را نام ببرد تا به امام عصرش منتهی شود دال بر این است که ایشان شیعه اثنی عشری بوده و تقیه می‌کرده است و گرنه بعد از امام صادق(ع) باید تمام می‌شد و وجهی برای ادامه دادن نبود.

قرائن دیگری هم وجود دارد من جمله اینکه قاضی ابوحنیفه در جای جای این کتاب گفته: «...الائمة الطاهرين من ذرية رسول الله...» من این روایات را از ائمه طاهرين(ع) نقل کرده‌ام، البته این جمله منافاتی با اینکه شیعه اثنی عشری نباشد ندارد چون ائمه طاهرين از ذریه رسول الله بر ائمه قبل از امام صادق(ع) به تنهایی هم صدق می‌کند، در مجموع این قرائن موجب شده که حاجی نوری قائل شود به اینکه قاضی ابوحنیفه شیعه اثنی عشری بوده و تقیه می‌کرده است.

سؤال: اینکه در عبارت گفته شده: «و یسمی اماماً اماماً إلى أن ينتهي إلى امام عصره» نمی‌تواند قرینه باشد بر اینکه حتماً قاضی ابوحنیفه شیعه اثنی عشری بوده و تقیه این جمله را گفته است چون ممکن است مراد از امام عصره، اسماعیل باشد که اسماعیل به امامت او معتقد هستند.

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۱.

استاد: ما هم این کلام را قبول داریم که این عبارت صراحت ندارد در اینکه مراد امامان بعد از امام صادق (ع) باشد چون اگر صریح در این مطلب بود که تقیه نبود بلکه برای اینکه تقیه صادق باشد باید جمله به نحوی گفته می‌شد که بر منطق و مذهب حاکمان آن زمان هم منطبق باشد پس این عبارت هم بر اسماعیل و هم بر ائمه بعد از امام صادق (ع) قابل حمل است و تقیه جز این نیست.

نکته مهم:

نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که اصلاً مذهب قاضی ابوحنیفه در اخذ به روایات او هیچ تأثیری ندارد چون مبنای ما در اخذ به روایات و اعتبار و صحت روایات، وثاقت است؛ یعنی همین که شخصی ثقة باشد می‌توان روایات او را اخذ کرد و به آن‌ها اعتماد کرد ولو مذهب آن شخص امامی هم نباشد چون ملاک در اعتبار روایات، وثاقت راوی است حال بر فرض که مذهب راوی شیعه اثنی عشری باشد اما وثاقت نداشته باشد روایات او اعتبار ندارد و بر عکس اگر کسی شیعه اسماعیلی باشد ولی ثقة باشد می‌توان به روایات او اعتماد کرد، پس بحث از مذهب قاضی ابوحنیفه چندان مهم به نظر نمی‌رسد و در اعتبار روایات او دخالتی ندارد.

اعتبار کتاب دعائم الاسلام

حال باید ببینیم که کتاب دعائم الاسلام چقدر اعتبار دارد، خود قاضی ابوحنیفه در مقدمه کتاب می‌گوید: «وقد رأینا والله التوفيق عند ظهور ما ذكرنا أن نبسط كتاباً جامعاً مختصراً يسهل حفظه و يقرب مأخذهُ و يُغنى ما فيه من جُمَل الاقوال عن الإصحاح و التّطويل تقتصر فيه على الثّابت الصحيح مما روينا عن الأئمة (ع) من اهل بيت رسول الله (عليهم السلام اجمعين) من جملة ما اختلفت فيه الروايات عنهم»^۱ عمده این است که ایشان در مقدمه کتاب می‌گویند: غرض ما این بوده که کتاب جامع و مختصری را بنویسیم که مراجعه به آن آسان باشد و مراجعه‌کننده را از همه اقوال و انظار بی‌نیاز کند بعد می‌گویند: ما در این کتاب به آنچه که صحیح و ثابت است از روایات اهل بیت عصمت و طهارت اکتفاء کرده‌ایم.

در جایی دیگر می‌گوید: «فهذا هو الثّابت مما روينا عن رسول الله (ص) و عن الأئمة الطاهرين من ذريته (صلوات الله عليه و عليهم) دون ما اختلفت فيه عنهم و على ذلك تجرى ابواب كتابنا هذا انشاء الله»^۲، قاضی ابوحنیفه با این دو عبارت تأکید می‌کند که ما روایات صحیح از اهل بیت (ع) را در این کتاب ذکر کرده‌ایم و این در واقع شهادتی بر صحت روایات این کتاب است. حاجی نوری هم در مستدرک می‌گوید: کتاب دعائم الاسلام از کتب معتبره است و قائل به صحت روایات این کتاب شده و به شهادت خود قاضی ابوحنیفه که در مقدمه کتاب ذکر شده استناد کرده است.^۳

بحث جلسه آینده: انشاء الله در جلسه آینده اعتبار روایات کتاب دعائم الاسلام را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲، چاپ دارالمعارف.

۲. همان، ص ۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۱.